

رنت

زندگی نامه‌ی شفاهی باستر کیسی

چاک پالانیک

ترجمه‌ی سونیا رزمجویی



کتاب سده

۱. یک مقدمه

والاس بویر (فروشنده‌ی ماشین): مثل بیشتر مردم، من هم قبل از مردن رنت کیسی نه اون رو دیده بودم و نه هیچ وقت باهاش حرف زده بودم. در مورد بیشتر آدم‌های مشهور همین طوره: همین که می‌میرن، دایره‌ی دوست‌های نزدیکشون یک دفعه به مرز انفجار می‌رسه. محاله یه ستاره‌ی مرده تو خیابون قدم برداره و یه میلیون از رفقای صمیمیش رو که هیچ وقت تو زندگی واقعی ندیده ملاقات نکنه.

مردن مهم‌ترین کاری بود که جف دامر و جان وین کیسی برای شهرت می‌تونستن بهش دست بزنن. وقتی گیتو داگس مرد، تعداد شریک‌های عشقی‌ای که ادعا داشتن با اون بودن سر به فلک کشید. اون طور که رنت کیسی خودش می‌گفت، مردم برای اینکه شهرتی برای خودشون دست و پا کنن وقتی زنده‌این بهتون حمله می‌کنن، یا وقتی که می‌میرن ازتون تعریف و تمجید.

من توی هواپیما بودم و یه یاروی دهاتی کنار دستم نشسته بود. پوستش به یه ماشین تصادفی می‌موند که آدم دلش رو نداشت بهش نگاه کنه. پوست پشت دستش با جای دندون و اون همه چاله‌چوله و چین و چروک اثر هنری دلخراشی بود.